

## کارکردهای روایات تفسیری

\* احسان ابراهیمی  
\*\* مجید حیدری فر

چکیده

امامان معصوم<sup>علیه السلام</sup> مفسران راستین کتاب آسمانی و آیات الاهی اند، از این رو سخنان گرانبهای آنان در روشن‌سازی مدللیل ظاهری و مفادات باطنی آیات قرآن مجید، برای پیروانشان میراثی گران‌بها به شمار می‌آید؛ از سوی دیگر، اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> برای تفسیر و چگونگی روشنگری درباره آیات، تعریف خاصی ارائه نکرده‌اند. بر این اساس، برای دستیابی به روش استوار در تفسیر کتاب خدا، باید از شیوه عملی آنان بهره جست. مسئله اصلی در این مقاله، کشف و تبیین و تحلیل کارکردهای روایات تفسیری با روش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> برای روشنگری آیات الاهی و تبیین آموزه‌های وحیانی، شیوه‌های گوناگونی را به کار برده‌اند که در این پژوهش، به «کارکردهای روایات تفسیری» نامور گشته و در ۳ قالب کارکردهای واژگانی، گزاره‌ای و شبکه دسته‌بندی ارائه می‌شوند. کارکردهای واژگانی روایات تفسیری عبارتند از: آواشناختی (قرائت متواتر یا مشهور مقبول)، مفهوم‌شناختی و مقصود‌شناختی. همچنین بیان معانی تنزیلی و ظاهری، معانی باطنی و تأویلی و نیز مصاديق ظاهری یا باطنی، از کارکردهای گزاره‌ای روایات تفسیری هستند. مهم‌ترین کارکردهای شبکه‌ای روایات تفسیری نیز، بیان مشترکات و مختصات قرآن کریم در قیاس با دیگر کتب آسمانی و بیان ویژگی‌ها و فضائل و خواص سوره‌ها و بیان ویژگی‌ها و اقسام آیات است.

### واژگان کلیدی

روایات تفسیری، تفسیر روایی، کارکردهای روایات تفسیری، شیوه تفسیری اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>.

\*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، رشته تفسیر تطبیقی، ایران، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن. (نویسنده مسئول)  
ehsan\_ebrahimi@miu.ac.ir  
info@mogharrabun.ir  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۳

\*\*. استاد حوزه و دانشگاه.  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

### طرح مسئله

پیامبر اکرم ﷺ هنگام حیاتش، عهده‌دار تبیین و تفسیر قرآن کریم بود و برای پس از خود، جانشینانش را بر این امر مهم برگزید، از این‌رو یکی از میراث‌های گران‌سینگ اهل بیت ﷺ سخنان گران‌بهای آن ذوات قدسی در تفسیر آیات قرآن مجید است، چون عترت نبوی ﷺ بر پایه حدیث متواتر ثقلین، مفسران و شارحان کتاب آسمانی و آیات الاهی‌اند.

از معصومان ﷺ در تعریف تفسیر و چگونگی روشن ساختن معنای آیات، کلام خاصی گزارش نشده تا چارچوب مرزمندی ارائه شود، پس برای رهیافت به تفسیر راست و درست، ناگزیر باید از شیوه آموزشی و عملی آنان در بیان مدلیل و مفادات و مقاصد قرآن حکیم بهره جست، زیرا مکتب این مردان آسمانی انحصاری خودشان نبود و جنبه تعلیمی نیز داشت؛ چنان‌که خود آن حضرات به شیوه آموزشی خود در تفسیر آیات تصریح دارند و از یارانشان می‌خواهند تا بسان آنان به آیات استدلال کنند. بررسی روایت تفسیری اهل بیت ﷺ گویای این حقیقت است که این ذوات قدسی برای تبیین آموزه‌های وحیانی، به گونه مستقیم یا نامستقیم (در قالب زیارت و دعا و ...) روش‌های گوناگونی را به کار برده‌اند.

مسئله اصلی در پژوهش پیش‌روی، تبیین و تحلیل کارکردهای روایات تفسیری با استناد به نوع عملکرد ائمه معصوم ﷺ در تبیین مراد الاهی در آیات قرآن کریم است. گفتنی است، در خصوص اصل روایات تفسیری، اقسام و گونه‌ها یا دیگر مسائل مرتبط با آن، پژوهش‌های کلی صورت گرفته است، مانند «نگاهی به روش‌شناسی تفسیر امامان»<sup>۱</sup> یا «گونه‌شناسی احادیث تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق»<sup>۲</sup> اما در خصوص کشف کارکردها و نقش روایات در تفسیر قرآن که مستند به نوع عملکرد اهل بیت ﷺ باشد، کار تحقیقی انجام نشده و از این لحاظ، مقاله پیش‌روی، در این زمینه نوآوری دارد.

### مفاهیم تحقیق

ارائه گزارشی از مفاهیم واژگان کلیدی و تبیین شناسه حقیقی یا قراردادی و یادکردهای همگون یا متناسب آنها در گستره شبکه معنائی خاص، زینده هر پژوهش هدفمند است، از این‌رو پیش از هر چیز، به چیستی‌شناسی کلمات «کارکرد» و «روایت» و «تفسیر» و عبارت «روایات تفسیری» می‌پردازیم:

#### ۱. کارکرد

واژه «کارکرد»، مصدر مرکب مرخّم، به معنای عمل و کار و کردار و فعل، کار کردن و عمل آمده است.<sup>۳</sup>

۱. محسن قاسم‌پور، مجله قیسات، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۲.

۲. علیراد، مجله تفسیر اهل بیت ﷺ، بهار و تابستان ۱۳۹۳، سال دوم، شماره ۱.

۳. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۲۶، ص ۱۸۸.

بعضی نیز معنای اندازه و مقیاس کار انجام شده را نیز بدان افزویده‌اند.<sup>۱</sup> بر این پایه، کارکرد روایات تفسیری یعنی برآیندهایی که از این روایات، برای عملیات تفسیر استنباط می‌گردد. مفسر در بیان کارکردها، به دنبال کشف مفهوم محوری روایات و نقش اصلی آنها در روشن شدن معنای آیات، سپس مراجعه به منابع عمومی و بهویژه تخصصی و در نهایت، تمرکز بر تجزیه و تحلیل و توضیح این‌گونه کارکردهاست.

## ۲. روایات تفسیری

از نگاه واژه‌پژوهان عرب، ریشه «فسر»، دربردارنده معانی مانند بیان، ابانه، جداکردن، شرح دادن چیزی، پیدا و آشکار ساختن امر پنهان است.<sup>۲</sup> به باور برخی لغتشناسان، «فسر» مقلوب «سفر» است.<sup>۳</sup> بررسی دیدگاه ادبیان عرب بیان‌گر آن است که در ماده «فسر» و «سفر» معنای کشف و روشن ساختن نهفته است. «تفسیر» نیز مصدر باب تفعیل نیز در همین معانی به کار رفته است،<sup>۴</sup> افزون بر آنکه مفهوم مبالغه و شدت یا تدریج و گام به گام بودن را هم می‌رساند.<sup>۵</sup>

قرآن‌پژوهان و مفسران، درباره معنای اصطلاحی «تفسیر» دیدگاه‌هایی دارند که در آنها، این عناصر و مفاهیم در معنای اصطلاحی «تفسیر» اثر گذار هستند: «شناختن و دانستن؛ کشف و آشکار ساختن مدلایل و مفاهیم؛ بیان و روشن ساختن مراد و مقصود؛ استناد به الفاظ مشکل یا غیر مشکل قرآن؛ آگاهی از ابزار و اصول استنباط و تشخیص؛ شناخت شأن و سبب نزول، محکم و متشابه و ... و استنباط احکام و حِکَم قرآنی».<sup>۶</sup>

گفتنی است، واژه «روایت» نیز از ریشه «رَوَى» و به معنای آب و سیراب شدن و «ترویه» برداشتن آب برای توشه سفر است.<sup>۷</sup> به نوشته برخی، این واژه مفهوم اندیشه کردن در کاری را نیز

۱. معین، فرهنگ معین، ص ۴۲۳.

۲. این منظور، لسان العرب، ج ۵ ص ۵۵؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۲؛ طریحی، مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۳۷؛ صفحی پوری شیرازی، متنی‌الازب، ج ۱، ص ۱۸۷؛ دهخدا، لغت نامه دهخدا، «فسر».

۳. سیوطی، الإتقان، ج ۲، ص ۱۸۹؛ طریحی، مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۳۷؛ زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۲۳۸؛ تهانوی، کشاف، ج ۲، ص ۱۱۱۵.

۴. ابن درید، جمهره اللغة، ج ۲، ص ۸۱۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۶، «فسر».

۵. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۲؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۶۳۶ «فسر».

۶. واحدی، الوسيط، ج ۱، ص ۲۳۴؛ بغوي، معالم التنزيل، ج ۱، ص ۴۵؛ راغب اصفهانی، جامع التفاسير، ج ۱، ص ۴۷؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۲۴؛ حاجی خلیفه، کشف الطنون، ج ۱، ص ۴۲۷؛ ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۱، ص ۱۰؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۴.

۷. فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۳۱۲؛ ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ص ۴۰۶، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۴۵ «روی»؛ چنان که حاجیان، روز هشتم ذی‌حجّه که «یوم الترویه» نام دارد، برای وقوف در عرفات از مکه آب برمی‌دارند.

می‌رساند.<sup>۱</sup> بعضی دیگر معتقدند که این ماده به معنای جابه‌جا کردن چیزی می‌آید، ازین‌رو به انسان یا حیوانی که آب را از جایی به مکان دیگر می‌برد، «راویه» گفته می‌شود.<sup>۲</sup> معنای اصطلاحی «روایت» نیز همسو با مفهوم لغوی آن، به معنای مطلق جابه‌جایی و ترابری است و کاربری فراوانی در نقل گفتار دارد، ازین‌رو برخی محدثان، معنای اصطلاحی آن را نیز این‌گونه آورده‌اند: «خبری که از راه گزارش ناقلان، به پیامبر اکرم ﷺ یا امامان معصوم ﷺ برسد و اقسامی مانند متواتر و خبر واحد دارد».<sup>۳</sup>

البته واژه «حدیث» نیز مترادف «روایت» و در لغت به معنای هر چیز نو و تازه است.<sup>۴</sup> به گفتار و کلام «حدیث» می‌گویند، چون آرام‌آرام و یکی پس از دیگری نو به نو پدید می‌آید؛ اما در اصطلاح محدثان، به سخنی گفته می‌شود که بیان‌کر گفتار یا کردار پیامبر اعظم ﷺ و امامان معصوم ﷺ یا تأیید چیزی از سوی آنان باشد.<sup>۵</sup>

با توجه به مراد استعمالی و جدی واژگان «روایت» و «تفسیر»، «روایات تفسیری» این‌گونه تعریف می‌گردد: «آن دسته از گفتار و رفتار و تقریر رسول اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ است که می‌تواند به گونه‌ای ناظر به یک یا چند آیه از قرآن مجید بوده و شائیتی برای شرح و تبیین و کشف معنای آن داشته باشد و برخی لایه‌های معنایی (دلالت مفهومی) یا مصدقی اش را روشن کند؛ خواه این روشنگری به گونه مستقیم و با یادکرد صریح از آیه باشد یا غیرمستقیم و غیر صریح باشد؛ یعنی در روایات، متن آیه یا نام سوره و ... نیامده است؛ اما روایت می‌تواند در شرح و تفسیر آیه و کشف معنای آن، بسیار سودمند باشد».

### کارکردهای روایات تفسیری

کارکردهای روایات تفسیری در دسته‌بندی سه گانه: کارکردهای واژگانی (آواشناسی و مفهوم‌شناسی و

۱. طریحی، *مجمع البحرين*، ج ۱، ص ۱۹۶، «روی»؛ چنان که امیرمؤمنان فرمود: بهسازی اندیشه آدمی در گرو فکر اوست: «بالفکر تصلح الرؤية». (تمییمی آمدی، *غور الحكم*، ص ۵۷)

۲. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۴، ۳۴۷، «روی».

۳. طریحی، *مجمع البحرين*، ج ۱، ص ۱۹۹؛ شهید ثانی، *الرعایة*، ص ۲۸؛ عاملی، *الوجيزه في الدرایة*، ص ۳.

۴. فراهیدی، *العين*، ج ۱، ص ۳۵۵؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۲، ص ۱۳۱.

۵. ابن فارس، *معجم مقاييس اللغا*، ج ۲، ص ۳۶، «حدث»؛ واژه حدیث در قرآن مجید نیز بیشتر به معنای سخن و کلام آمده است؛ مانند «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء / ۸۷)، «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى» (نارعات / ۱۵)، «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ». (بروج / ۱۷)

۶. مامقانی، *مقباس الهدایة*، ج ۱، ص ۵۷؛ عاملی، *الوجيزه في الدرایة*، ص ۲؛ به باور برخی اهل تسنن، «حدیث»، هر چیزی است که به پیامبر اکرم ﷺ متناسب باشد. (عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۱، ص ۱۷۳) در نگاه بعضی دیگر، به فعل و قول و تقریر رسول اکرم ﷺ و صحابه وتابعیان «حدیث» گفته می‌شود. (سیوطی، *تدریب الروای*، ج ۱ ص ۲۳)

معناشناسی) و گزارهای (تجزیه و تحلیل معارف قرآنی) و شبکه‌ای (قرآن‌شناسی و حریم‌شناختی و ...) بیان می‌گردد:

#### ۱. کارکردهای واژگانی

مراد از کارکردهای واژگانی روایات تفسیری، کارآبی این گونه روایات در روشن شدن ظاهر واژگان قرآن (قرائت درست) و مفهوم و معنای آنهاست.

#### یک. آواشناسی و بیان قرائت واژگان

اهل بیت رسالت<sup>۱</sup> افرون بر ژرف‌اندیشی درباره معارف والای قرآن مجید، در راستای پاسداشت نص درست این کتاب آسمانی و پیشگیری از تحریف واژگان آن نیز تلاش فراوانی داشتند. آنان پیوسته مردم را از قرائت‌های پراکنده و نامرسمون پرهیز می‌دادند<sup>۲</sup> تا جائی که امام صادق<sup>۳</sup> به نگارش قرآن جز با رنگ سیاه خشنود نمی‌شود، زیرا قرآن کریم نخستین بار با این رنگ نگاشته شده بود.<sup>۴</sup>

بر این اساس، شماری از روایات تفسیری به بیان قرائت آیات قرآن حکیم پرداخته‌اند که بی‌گمان با در نظر گرفتن آنها، هم به نص وحی قرآنی و فروود آمده از آسمان دست می‌یابیم، هم به تفسیری درست از آیه. شایان توجه این که گاهی اختلاف در قرائت، به دوگانگی معنایی آیه نیز می‌انجامد. برای نمونه، آیه «مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ»<sup>۵</sup> به گونه «مَلِكُ يَوْمَ الدِّينِ» نیز قرائت شده است: «عَنْ دَاؤدَ بْنَ فَرْقَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقْرَأُ مَا لَأَ أَحْصَى مَلِكَ يَوْمَ الدِّينِ». «مالک» از «ملک» است؛ یعنی همان قیومیت خدای سبحان نسبت به موجودات و تقوّم موجودات به او؛ اما «ملک» از «مُلْك» و به معنای سلطنت، نفوذ و فرمانروایی خدای والا بر همه چیز است.<sup>۶</sup>

یادسپاری: بر پایه نوشته قرآن‌پژوهان، قرائت این کتاب آسمانی، امروزه بر اساس روایت حفص از عاصم به دست ما رسیده و سند آن نیز به امیر مؤمنان<sup>۷</sup> بازمی‌گردد. دسته‌ای آن را متواتر و گروه دیگری مقبول و مشهور میان مسلمانان می‌دانند.<sup>۸</sup> این قرائت، در منظر اهل بیت<sup>۹</sup> بود و آن حضرات، از یک سو آن را نفی نکردند، از سوی دیگر دست بردن در قرآن و تغییر آن را نیز ناروا دانستند.<sup>۱۰</sup>

۱. کلینی، *الكافی*، ج ۲، ص ۶۳۳

۲. همان، ص ۶۲۹

۳. حمد / ۴.

۴. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۲۲

۵. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۱، ص ۳۸۶

۶. معرفت، *التمهید*، ج ۲، ص ۸۲ - ۳۴ و ۲۳۰ - ۲۲۱

۷. طبرسی، *مجمع البيان*، ج ۹، ص ۳۳۰

### دو. مفهوم‌شناسی و بیان مراد استعمالی واژگان

روشن‌سازی مدلول استعمالی و مفاد ظاهری واژگان و بیان مفاهیم عرف عام کلمات و جملات آیات قرآن مجید در زمان نزول، از کارکردهای مهم روایات تفسیری و درآمدی برای آگاهی از مراد جدی خدای سبحان به شمار می‌رود که در بخش گسترده‌ای از احادیث اهل بیت<sup>۱</sup> آمده است و با توجه به همزمانی و نزدیکی عصر پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و آله و آله و آمیت</sup> و امامان معصوم<sup>علیهم السلام</sup> با نزول آیات الاهی، این گونه روایات منبع معتری برای فهم معنای واژگان قرآن کریم شمرده می‌شوند.

برای نمونه، امیرمؤمنان<sup>علیهم السلام</sup> مراد از واژه «رفت» در آیه «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ»<sup>۲</sup> را همبستی با زنان می‌شناساند.<sup>۳</sup> به فرموده امام رضا<sup>علیه السلام</sup> مراد از واژه‌های «حرث» و «نسل» در آیه «وَيَهْلِكُ الْحَرْثُ وَالْتَّسْلُ»<sup>۴</sup> به ترتیب کشاورزی و ذریه انسان است.<sup>۵</sup> امام جواد<sup>علیه السلام</sup> نیز در تفسیر واژگان آیه «وَالْمُتَخَيَّةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالْتَّطِيقَةُ»<sup>۶</sup> فرمود: «الْمُنْحَيَّةُ الَّتِي اخْتَنَتْ بِاخْنَاقَهَا حَتَّى شُوتَ وَالْمَوْقُوذَةُ الَّتِي مَرَضَتْ وَقَذَفَهَا الْمَرْضُ حَتَّى لَمْ يَكُنْ بِهَا حَرَكَةٌ وَالْمُتَرَدِّيَةُ الَّتِي تَرَدَّى مِنْ مَكَانٍ مُرْتَفَعٍ إِلَيْ أَسْفَلَ أَوْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ أَوْ فِي يَئِرٍ فَتَمُوتُ وَالْتَّطِيقَةُ الَّتِي تَنْطَحُهَا بَهِيمَةً أُخْرَى فَتَمُوتُ».<sup>۷</sup>

### سه. مقصودشناسی و بیان مراد جدی واژگان

بر پایه اصل تطابق، مراد جدی هر گوینده یا نویسنده‌ای با مفاد استعمالی او هماهنگ است و سخنان خدای حکیم نیز از این قانون مستثنی نیست؛ لیکن گاه شناخت مراد جدی خدای متن در برخی آیات دشوار می‌نماید، زیرا هرچند مفهوم استعمالی و مفاد ظاهری بسیاری از واژگان قرآن حکیم از ظاهر واژگان و معنای لغوی آنها یا به مدد آگاهی از اصول مقبول گفتمان عرفی دست یافتنی است؛ لیکن گاه فهمیدن مراد جدی و معنای تنزیلی نیز دشوار می‌نماید. برای دریافت حقیقت گفته حضرت حق که از هر آسیبی ایمن است، باید سراغ سخنی دیگر رفت که از خطر هر گزندی ایمن باشد، از این رو جز اعتماد به دیگر آیات قرآن یا یافته‌های قطعی و عصمت‌آمیز عقل و احادیث دودمان عصمت<sup>صلی الله علیه و آله و آله و آله و آمیت</sup> گریزی نیست.

۱. بقره / ۱۸۷.

۲. حویزی، نور التلقین، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. بقره / ۲۰۵.

۴. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۵. مائدہ / ۳.

۶. ابن‌بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۴۴.

برای نمونه، امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقَاتَالِ أَوْ مُتَحَيَّزًا إِلَى فَتَّةٍ»<sup>۱</sup> فرمود: «مُتَطَرِّدًا يُرِيدُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ مُتَحَيَّزًا يَعْنِي مُتَأْخِرًا إِلَيْ أَصْحَابِهِ مِنْ غَيْرِ هَزِيَّةٍ».<sup>۲</sup> همچنین امام جواد علیه السلام در بیان علت «امی» خواندن رسول اعظم علیه السلام: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ الَّذِي أَنْبَأَنَا مِنْ أُمَّةِ الْقَرَى».<sup>۳</sup> فرمود: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْأُمَّيَّ، لِأَنَّهُ كَانَ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ وَ مَكَّةً مِنْ أَمَّهَاتِ الْقَرَى».<sup>۴</sup>

## ۲. کارکردهای گزاره‌ای

قرآن حکیم، قانون اساسی و آسمانی برای هدایت بشر است، از این‌رو بیشتر به بیان کلیات دین الاهی می‌پردازد، هرچند همه نیازمندی‌های هدایتی و تربیتی و کمال‌یابی آدمی را پاسخ داده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ».<sup>۵</sup>

بر پایه دیگر آیات، تبیین معارف یا احکام کلی قرآن مجید و بورطوف سازی ابهام و اجمال و ارائه جزئیات آن بر عهده پیامبر اکرم علیه السلام گذاشته شده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ تِبْيَانًا لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۶</sup> و «وَمَا آتَكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَاتَّهُوا».<sup>۷</sup> و خاندان وحی نیز طبق روایاتی همچون حدیث ثقلین، عهددار این رسالت مهم هستند.<sup>۸</sup>

بر این اساس، برخی روایات تفسیری به تجزیه و تحلیل گزاره‌های قرآنی و بیان جزئیات معنائی آیات یا بیان چگونگی تشریع احکام یا رویدادها و ... می‌پردازند. اهل بیت علیه السلام از یک سو، به آموزش چگونگی تجزیه و تحلیل گزاره‌های قرآنی و برداشت درست از آیات الاهی همت گماشتند، تا دیگران نیز بتوانند روش‌مندانه در معارف قرآنی بیندیشند و از رهنمودهای وحیانی بهره‌مند گردند. از سوی دیگر، خود آن ذوات قدسی در مقام عمل، به تجزیه و تحلیل گزاره‌های قرآنی پرداختند که باز می‌توان با استناد به آنها، معیارهایی برای تفسیر درست اصطیاد کرد.

۱. انفال / ۱۶.

۲. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۲، ص ۵۱.

۳. اعراف / ۱۵۸.

۴. ابن‌بابویه، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۱۲۵.

۵. نحل / ۸۹.

۶ نحل / ۴۴.

۷. حشر / ۷.

۸. طبرسی، *الإِحْتِجاج*، ج ۱، ص ۶۰ - ۷۶؛ این مهم، برآیند آیه تطهیر و کتاب مکنون نیز هست. (احزاب / ۳۳) واقعه (۷۷ - ۷۹ /

### یک. معانی تنزیلی و ظاهروی گزاره‌ها

برخی روایات با کارکرد گزاره‌ای، به بیان معانی تنزیلی و ظاهروی گزاره‌های گوناگون قرآنی پرداخته‌اند، نظیر:

#### (الف) گزاره‌های اعتقادی

بسیاری از آیات قرآن حکیم در بردارنده مباحث کلی معرفتی در حوزه بود و نبود، هست و نیست است؛ نظیر توحید و معاد و بزرخ و بهشت و جهنم و ... که جزئیات آن از سوی مفسران حقیقی وحی الاهی بیان شده است؛ مانند احادیث بیانگر ویژگی‌های جهان آخرت و فعلیت بهشت و جهنم و درجات آن یا وجود نکیر و منکر، بشیر و مبشر و اوصاف و اقسام فرشتگان.

برای نمونه، آیه «وَيَوْمَ تَحْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ يَا يَاتَّا فَهُمْ يُوْزَعُونَ»<sup>۱</sup> به گونه کلی و سربسته به موضوع رجعت اشاره می‌کند؛ ولی همه زوایای آن (اثبات و امکان و اهداف و رجعت کنندگان و ...) به گونه‌ای گسترده در روایات و ادعیه و زیارات خاندان وحی بیان شده است. رسول اکرم ﷺ فرمود:

إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأَمَمِ السَّالِفَةِ وَنَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ، إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِيَ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرِيمَ فَصَلَّى خَلْفَهُ ... إِنَّ الْإِسْلَامَ بُدِءَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ! قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: ثُمَّ يَكُونُ مَا ذَا؟ قَالَ ثُمَّ يَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَيْ أَهْلِهِ ...<sup>۲</sup>

همچنین وجود بهشت یا دوزخ در آیات فراوانی آمده؛ لیکن وجود بالفعل آن دو در روایات روشن شده است. امام رضا علیه السلام در پاسخ «هروی» درباره فعلیت بهشت و جهنم چنین فرمود: آن دو هم اکنون آفیده شده‌اند. پیامبر ﷺ در شب معراج به بهشت رفت و دوزخ را نیز دید ... هر کس مخلوق بودن بهشت و دوزخ را نپذیرد، بی‌شك به رسول خدا ﷺ و ما دروغ بسته است ...<sup>۳</sup>

#### (ب) گزاره‌های اخلاقی

قرآن حکیم در راستای شیوه هدایت‌گری خود، گاه کلی گونه به برخی بایدها و نبایدها، شایدها و نشایدھای درونی یا رفتارهای ارزشی و ضد ارزشی آدمیان اشاره کرده و بعضی جزئیات را روایات روشن ساخته‌اند.

---

۱. نمل / ۸۳.  
۲. ابن‌بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲۱.  
۳. ابن‌بابویه، الأمالی، ص ۴۶۱.

پیامبر ﷺ در تفسیر آیه بیانگر ناروائی غیبت: «لَا يَعْتَبِرُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيْحَبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيَّتًا فَكَرِهُتُمُوهُ»<sup>۱</sup> فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الرِّجْلَ إِنَّ الرِّجْلَ يَرْنِي فَيَتُوبُ اللَّهُ وَإِنَّ صَاحِبَ الْغَيْبَةِ لَا يُغْفَرُ لَهُ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ».<sup>۲</sup>

همچین امام صادق و کاظم علیهم السلام در توضیح حقیقت توبه نصوح در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً»<sup>۳</sup> فرمودند: بازگشت درست آن است که گناهکار دوباره به سوی آلوگری رو نیاورد؛<sup>۴</sup> درونش مانند برونش باشد که نشان پشمیمانی و پرهیز از گناه دارد؛ بلکه باطنش از ظاهرش پاکتر و آراسته‌تر باشد.<sup>۵</sup>

#### ج) گزاره‌های فقهی

برخی گزاره‌های قرآنی، به بیان کلیاتی درباره موضوعات برخی بایدها و نبایدهای فقهی می‌پردازد که روشنگری پیرامون جزئیات آن را روایات تفسیری عهددار هستند. برای نمونه، قرآن مجید استطاعت را شرط وجوب حجّ می‌داند: «وَلَلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ أَسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»<sup>۶</sup> ولی چیستی استطاعت در روایات آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدْنِهِ، مُحَلَّى سُرْبُهُ، لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجَّ».<sup>۷</sup>

از دیگر کارکردهای روایات تفسیری، تخصیص عموم یا تقید شمول و بیان احکام فقهی این گونه آیات و تبیین مراد واقعی الاهی است؛ یعنی اگر آیه‌ای به تنهاشی در نظر گرفته شود، قلمرو فراگیری را پوشش می‌دهد؛ ولی روایت تفسیری، گستره آن را کوچکتر و مراد واقعی را روشن می‌کند. برای نمونه، در آیه «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصُنَ يَأْنفُسُهُنَ ثَلَاثَةَ قُرُوءِ»<sup>۸</sup> «المطلقات» جمع دارای الف و لام بیانگر عموم است و بر اساس آن، همه زنان طلاق گرفته باید تا پایان سه قرعه (سه پاکی یا سه حیض) عده نگاه دارند. این شمول در بسیاری از روایات، تخصیص خورده و مخصوص زنانی دانسته شده که با آنان عمل زناشوئی انجام گرفته است.<sup>۹</sup>

۱. حجرات / ۱۲.

۲. شهید ثانی، منیة العمرید، ص ۳۲۷.

۳. تحریم / ۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۳۲.

۵. ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۱۷۴.

۶. آل عمران / ۹۷.

۷. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۸. بقره / ۲۲۸.

۹. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۰۹.

همچنین در بعضی روایات، عده زنان باردار، پایان دوره زایمان عنوان شده است.<sup>۱</sup>

همچنین عبارت «ازواجکم» در آیه «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ»<sup>۲</sup> مطلق است و همه همسران دائمی و موقّت را در بر می‌گیرد. این اطلاق در برخی روایات، مقید شده است. امام صادق<sup>علیه السلام</sup> درباره بعضی احکام ازدواج موقّت فرمود: از وی ارث نمی‌بری و او نیز از تو ارث نخواهد برد.<sup>۳</sup> امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> نیز در تفسیر آیه «لَا يَمْسُسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۴</sup> فرمود: «الْمُصْحَّفَ لَا تَمْسَهُ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ لَا جُنْبًا وَ لَا تَمَسَّ حَيْطَهُ وَ لَا تَعْلَقُهُ».<sup>۵</sup>

گفتگی است، چرا بی احکام فقهی نیز در برخی روایات بیان شده است. برای نمونه، امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در تفسیر آیه «فَإِنْكِحُوَا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مُثْنَى وَ ثُلَاثَ وَرَبْعَةَ»<sup>۶</sup> و بیان چرائی روایی ازدواج مرد با چهار زن و حرمت تزویج زن با چند شوهر چنین فرمود: اگر مرد، چهار همسر داشته باشد، فرزند هر یک از آنان به این مرد منسوب است؛ ولی چنانچه زن دو شوهر یا بیشتر داشته باشد و از وی فرزندی زاده شود، پدر او روش نیست، چون شاید همه آن مردان با این زن هم بستر شده باشند؛ بی تردید این امر مایه تباہی نسب و میراث و معارف شرعی خواهد شد.<sup>۷</sup>

آن حضرت پرسش عبدالله بن سنان درباره چرائی و جوab روزه بر مردم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»<sup>۸</sup> را چنین پاسخ داد: «عَلَةُ الصَّوْمِ لِعِرْفَانِ مَسْجُوعٍ وَالْعَطْشِ لِيَكُونَ الْعَبْدُ ذَلِيلًا مُسْتَكِنًا مَأْجُورًا مُحْسِبًا صَابِرًا فَيَكُونُ ذَلِيلًا عَلَى شَدَائِدِ الْآخِرَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكِسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاعْظَأَ لَهُ فِي الْعَاجِلِ ذَلِيلًا عَلَى الْآجِلِ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَيْلَغِ ذَلِيلٍ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكَنَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».<sup>۹</sup>

#### (د) گزاره‌های تاریخی

از شیوه‌های قرآن حکیم در هدایت بشر، گزارش داستان برخی امّت‌های حق‌گرا یا حق‌ستیز و پیامبران آنان است، تا مردم از سرگذشت آنان پندها بیاموزند. قرآن کتاب داستان نیست، از این‌رو به گزارش کوتاه

۱. همان، ج ۶، ص ۱۰۳.

۲. نساء / ۱۲.

۳. طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۲۶۵.

۴. واقعه / ۷۹.

۵. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱۳.

۶. نساء / ۳.

۷. ابن‌بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۰۴.

۸. بقره / ۱۸۳.

۹. ابن‌بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۷۸.

از تاریخ پیشینیان بسنده کرده؛ لیکن جزئیات آنها که گاه با تحلیل و بررسی نیز همراه است، در بسیاری از روایات تفسیری به چشم می‌خورد.

امام سجاد<sup>ع</sup> در تحلیل چگونگی گرفتار شدن حضرت یعقوب<sup>ع</sup> به فراق فرزندش فرمود: یاری نرساندن وی به تهییدستی گرسنه، مایه نزول بلا و جدایی افتادن میان او و حضرت یوسف<sup>ع</sup> شد.<sup>۱</sup>

امام کاظم<sup>ع</sup> در باره داوری حضرت داود و سلیمان<sup>ع</sup> در آیه «وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانَ فِي الْأَرْضِ» فرمود: به نظر حضرت داود<sup>ع</sup> گوسفندان باید در برابر زراعت قباش شده به مزرعه دار داده شود؛ لیکن بر اساس داوری حضرت سلیمان<sup>ع</sup> که آموزشی الاهی بود، گوسفندان در ملکیت مالکانش می‌ماند؛ اما منفعت آنها مانند شیر و پشم و ... تا یکسال به مزرعه‌دار داده می‌شود.<sup>۲</sup>

### ه) گزاره‌های علمی

برخی آیات قرآن کریم، به بیان ویژگی‌های جهان آفرینش و هستی‌مندان می‌پردازد که به آیات علمی معروف شده‌اند. برخی روایات تفسیری، به تجزیه و تحلیل گزاره‌ها و آیات علمی پرداخته‌اند. برای نمونه، امام رضا<sup>ع</sup> در پاسخ حسین بن خالد از معنای آیه «وَالسَّمَاءُ ذَاتُ الْجُبُكِ»<sup>۳</sup> فرمود: آسمان راه‌های سوی زمین دارد. وی دوباره پرسید: چگونه میان زمین و آسمان ارتباط است، در حالی که قرآن مجید در آیه «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ يَغْيِرُ عَمَدَ تَرَوْهَا»<sup>۴</sup> آسمان‌ها را بی‌ستون می‌خواند؟ امام<sup>ع</sup> به او این‌گونه پاسخ داد: «سُبْحَانَ اللَّهِ! أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: «يَغْيِرُ عَمَدَ تَرَوْهَا»؟ فَقَلَّتْ بَلَى! فَقَالَ: ثُمَّ عَمَدُ وَلَكِنَ لَا تَرَوْهَا».<sup>۵</sup>

امام<sup>ع</sup> در تفسیر آیه، برافراشتن آسمان‌ها را بدون ستون‌های دیدنی) می‌داند، چنان‌که برخی روایات نیز به ستون نداشتن آسمان‌ها گواهی می‌دهند؛ مانند این دو فرموده ارجمند علوی<sup>ع</sup>: «فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ جَعَلَ سُفْلَاهُنَّ مَوْجًا مَكْفُوفًا وَ عُلَيْاهُنَّ سَقْفًا مَحْفُظًا وَ سَمَكًا مَرْفُوعًا يَغْيِرُ عَمَدَ يَدْعَمُهَا»<sup>۶</sup> و «فَقَنَ شَوَّاهِدِ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ مُوَطَّدَاتٍ بِلَا عَمَدٍ قَائِمَاتٍ بِلَا سَنَدٍ».<sup>۷</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵.

۲. انبیاء / ۷۸

۳. ابن‌بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۰۱.

۴. ذاریات / ۷

۵. رعد / ۲

۶. ع قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۳۸

۷. نهج البلاغه، خطبه یکم.

۸. همان، خطبه ۱۸۲.

### دو. معانی باطنی و تأویلی گزاره‌ها

قرآن مجید کتابی است در پس معنای ظاهری خود، مفاهیم باطنی ژرف و پنهانی را نیز نهفته دارد که با معنای ظاهری آن بی ارتباط نیست. بر این اساس، بسیاری از فرموده‌های عترت نبوی ﷺ به شرح و تبیین معنای درونی و بطن گشائی آیات قرآن مجید پرداخته‌اند. بری نمونه، امام صادق علیه السلام در تفسیر باطنی آیه «منْ قَتَلَ نَفْسًا يَغْيِرْ نَفْسًا، أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَاتِمًا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أُخْيَا هَا فَكَاتِمًا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۱</sup> چنین فرمود: «منْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَيْهِ هُدًى فَكَاتِمًا أَحْيَا هَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَيْهِ ضَلَالٍ فَقَدَ قَتَلَهَا». <sup>۲</sup> آن حضرت مراد از جانشین قرار دادن شب و روز را برای یکدیگر در آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً»<sup>۳</sup> شتاب برای قضای نمازهای روزانه در شب و بالعکس می‌داند.<sup>۴</sup>

همچنین امام کاظم علیه السلام در تفسیر باطنی آیه «يُحْبِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۵</sup> فرمود: مراد از این آیه زنده شدن با آب باران نیست. خدای توانا مردانی را بر می‌انگیزاند که دادورزی را زنده می‌کنند و از این راه به زمین حیات واقعی می‌بخشند.<sup>۶</sup> این امام همام در پرسش از تأویل آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَورًا فَمَنْ يَأْتِيْكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»<sup>۷</sup> چنین فرمود: «إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَا ذَا تَصْنَعُونَ؟»<sup>۸</sup>

### سه. مصاديق ظاهری یا باطنی گزاره‌ها

بسیاری از روایات تفسیری، درباره مصاديق ظاهری یا باطنی برخی آیات الاهی روشنگری دارند. مفاد این روایات، با بیان سبب نزول آیه متفاوت است و به داستان فرود آمدن آیه اشاره‌ای ندارند. این گونه رهنمود، دو زیر شاخه دارد:

#### (الف) مصاديق ظاهری

کارکرد این بخش از روایات تفسیری، روشنگری درباره فرد یا گروهی است که آیه به گونه آشکار و مستقیم به او نظر دارد. مصاديق تنزیلی و ظاهری دو نوع‌اند:

۱. مائدہ / ۳۲.
۲. کلینی، *الكافی*، ج ۲، ص ۲۱۰.
۳. فرقان / ۶۲.
۴. طوسی، *تهدیب الاحکام*، ج ۲، ص ۲۷۵.
۵. روم / ۱۹.
۶. ع کلینی، *الكافی*، ج ۷، ص ۱۷۴.
۷. ملک / ۳۰.
۸. ابن‌بابویه، *الإِمَامَةُ وَالتَّبَصِّرَةُ مِنَ الْحِيَرَةِ*، ص ۱۲۵.

## ۱. منحصر و محدود به فرد یا اشخاصی خاص

این گونه روایات، تنها در باره آیاتی است که حضرات معصومان ﷺ مصدق آنها هستند؛ مانند پنج تن ﷺ که بر اساس احادیث، مصدق منحصر آیه مباھله<sup>۱</sup> به شمار می‌روند.<sup>۲</sup> برخی روایات بیانگر مصاديق انحصاری آیات چنین‌اند:

\* امام صادق در تفسیر آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۳</sup> فرمود: «نَزَّلَتْ فِي السَّيِّدِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ وَفَاطِمَةَ».<sup>۴</sup>

\* به فرموده آن حضرت، مراد از برپا دارندگان نماز که در حال رکوع زکات می‌دهند،<sup>۵</sup> تنها امام علی<sup>۶</sup> است که انگشتتری خود را هنگام رکوع نمازش به فقیری بخشد.<sup>۷</sup>

- امام کاظم<sup>۸</sup> مراد از أولی‌الامر را در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ أَنْهَا امِيرِ مُؤْمِنَاتِ وَجَانِشِينَ مَعْصُومَاتٍ مِّي داند.<sup>۹</sup>

یادسپاری مهم: روایات بیانگر مصاديق انحصاری، به شخصیت حقوقی امامان معصوم<sup>۱۰</sup> نظر دارد، از این‌رو با ارتحال اشخاص حقیقی آن ذوات مقدس، آیات یاد شده از میان نخواهد رفت.<sup>۱۱</sup>

## ۲. ناممنحصر و تطبیق‌پذیر به افراد دیگر

امیر مؤمنان<sup>۱۲</sup> در تفسیر آیه «غَيْرُ الْمَعْضُوبُ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»<sup>۱۰</sup> چنین فرمود: مراد از غضب‌شدگان یهودیانی هستند که خدای والا درباره آنان فرمود: «مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ».<sup>۱۱</sup> همچنین مقصود از گمراهان، مسیحیانی هستند<sup>۱۲</sup> که قرآن حکیم در بیان ویژگی آنان می‌فرماید: «قَدْ ضَلَّوْا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا».<sup>۱۳</sup>

۱. آل عمران / ۶۱

۲. طوosi، الْأَمَالِي، ۵۶۴؛ مفید، الْاخْتَصَاص، ص ۵۶.

۳. احزاب / ۳۳.

۴. ابن‌بابویه، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۰۵.

۵. مائده / ۵۵.

۶. عرکلینی، الْكَافِي، ج ۱، ص ۲۲۸.

۷. نساء / ۵۹.

۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۹. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۷.

۱۰. حمد / ۷.

۱۱. مائده / ۰۰.

۱۲. تفسیر الامام العسكري، ص ۵۰.

۱۳. مائده / ۷۷.

امام کاظم<ص> نیز در باره مصدق زیانکارترین افراد در آیه «قُلْ هَلْ تُبَيِّنُكُمْ بِالْحُسْرَيْنَ أَعْمَالًا»<sup>۱</sup> فرمود: کسانی که حجّ واجب را به تأخیر می‌اندازند و آن را به آینده وامی گذارند.<sup>۲</sup> بی‌شک، افراد بیان شده در این دو روایت، به برخی مصاديق آیات اشاره دارند.

#### (ب) مصاديق باطنی

قرآن حکیم کتابی جهانی و جاودانی است؛ نه مرزهای جغرافیائی و حدود اقلیمی، حوزه رسالت آن را محدود می‌سازد، نه گذر زمان بر قلمرو فراگیری آیاتش اثری دارد، ازین‌رو بسان حال، با گذشته و آینده نیز هماهنگ است. به فرموده امام باقر<ص> همه آیات قرآن دارای ظاهر و باطن‌اند ... برخی مصاديقش گذشته و بعضی هنوز نیامده است. قرآن همانند مهر و ماه در جریان است؛<sup>۳</sup> اگر آیات فروودآمده درباره امته‌ها پس از مرگ آنان نابود می‌شد، از قرآن حکیم چیزی نمی‌ماند؛ لیکن همه آیاتش تا زمان برپائی آسمان‌ها و زمین، با همه اقوام و ملل، اشخاص و اشیا هماهنگ است.<sup>۴</sup> بر این اساس، برخی آیات قرآن مجید، مصاديق پنهان و ژرفی دارند که شاید سال‌ها پس از شهادت پیامبر اکرم<ص> روی دهد؛ هرچند صرفاً برای آن مصاديق فروود نیامده است.<sup>۵</sup> رهیافت به این گونه مصاديق باطنی و تأویلی آیات، تنها از راه روایات تفسیر مصاديقی شدنی است. برای نمونه، برخی گزارش‌های روایی، جریان غصب ولايت در سقیفه یا شورش یاران شتر (در جنگ جمل) را از مصاديق فتنه در آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»<sup>۶</sup> می‌دانند.<sup>۷</sup>

امام صادق<ص> درباره مصدق ترازووهای دادگری روز رستاخیز: «وَنَصَعَ الْمَوَازِينَ الْقُسْطُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۸</sup> چنین فرمود: «الرُّسُلُ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ».<sup>۹</sup> همچنین در تفسیر آیات پایانی سوره حمد فرمود: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» «یعنی مُحَمَّدًا وَ ذُرْبَتَه»<sup>۱۰</sup> و «الْمَغْضُوبُ عَلَيْهِمُ التُّصَابُ وَالضَّالُّونَ الشُّكَّاكُ الَّذِينَ لَا يَعْرُفُونَ إِلِّيَّامًا».<sup>۱۱</sup>

۱. کهف / ۱۰۳.

۲. ابن‌ابی جمهور، عوایی اللئالی، ج ۲، ص ۸۶

۳. صفار، بصائر الدرجهات، ص ۲۱۶

۴. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰؛ جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۷.

۵. بیشتر روایات تفسیری ولائی از نوع مصاديق باطنی آیات هستند که بر امامان معصوم<ص> تطبیق شده است؛ ولی درباره آن حضرات فروود نیامده است.

۶. انفال / ۲۵.

۷. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۳؛ قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۸. انبیاء / ۴۷.

۹. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۱.

۱۰. ابن‌بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۶.

۱۱. قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹.

### دو یادسپاری

۱. این گونه روایات تفسیر مصدقی، باید افزون بر صحت و تمامیت سند و جهت صدور، با محتوا و مضمون آیه نیز همسو و هماهنگ باشند؛ و گرنه پذیرفتن آنها دشوار خواهد بود.
۲. روایات بیانگر مصادیق باطنی آیات، هرگز گستره شمول معنای آیه را محدود و مصادیق دیگر را نفی نمی‌کند، از این رو آیه پیوسته معنای عام دارد و دست مفسران نیز در تطبیق آن بر دیگر مصادیق باز است.<sup>۱</sup>

### ۳. کارکردهای شبکه‌ای

آگاهی از فرهنگ کلی قرآن و اوصاف آن، همچنین غرض و ساختار سوره‌ها و سیاق آیات و قرائت درونی آنها، بازشناسی زمان و مکان فرود آیات و شناخت فضا و جو نزول؛ مانند مکّی یا مدنی بودن و فضای حاکم بر جامعه اسلامی در زمان نزول آنها، در رسیدن به فهم مراد واقعی خدای سبحان و ابهام‌زدایی از آیات، سهم شایانی دارد و این مهم، بهره‌گیری از سخنان مفسران راستین وحی را دو چندان می‌نماید.

از کارکردهای مهم روایات عترت روشنگری درباره شناخت قرآن مجید، ویژگی‌های نزول، ظاهر و ساختار سوره‌ها یا جایگاه و فضیلت آنها، آیات مکّی و مدنی و ... است. این کارکردها، از مباحث لغتشناسی و معناشناسی واژه‌ها و گزاره‌های درون‌ایه‌ای، فراتر است و به صورت کلان، به مجموعه قرآن کریم، ساختار سوره‌ها و رکوع و سیاق آیات و چگونگی نزول آنها نظر دارد. برخی از آنها عبارت است از:

#### یک. بیان مشترکات و مختصات قرآن کریم

بی‌شک، اصل همه کتاب‌های آسمانی، خاستگاهی و حیانی دارند و در برخی اوصاف نظیر هدایتگری یا برخی آموزه‌ها مانند توحید و معاد و ... همسو و مشابه هستند و برخی اوصاف نیز ویژه قرآن کریم است.

#### الف) اوصاف مشترک

قرآن کریم نیز که آخرین کتاب آسمانی است، اوصاف ارزشمند و ویژگی‌های بی‌نظیر و گوناگونی دارد که هر یک، گوشه‌ای از ظرفیت مخازن با عظمت و بی‌پایان آن را آشکار و اهداف هدایتی و تربیتی تعالیم این کتاب الاهی را نمایان می‌گرداند. برخی از این اوصاف، عام و مشترک میان قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی پیشین است، مانند «کتاب» و «نور» و «فرقان» که بیشتر به جنبه هدایتگری آنها نظر دارد و خاستگاه مشابهت و هماهنگی برخی تعالیم این کتاب‌های آسمانی است؛ لیکن بعضی

---

۱. جوادی آملی، *تفسیری*، ج ۱، ص ۱۶۷.

ویژگی‌ها، خاص قرآن کریم است؛ یعنی آن دسته از صفات انحصاری که قرآن را از دیگر کتب آسمانی متمایز و ممتاز می‌گرداند، نظیر «جامعیت قرآن» در بیان هر آنچه انسان در هدایت و سعادت و کمال دنیا و آخرتش بدان نیاز دارد یا «جاودانگی» قرآن و عدم محدودیت آن به زمان یا مکانی خاص. این‌گونه ویژگی‌های قرآن مجید، از مسائل مبنایی و بسیار مهم درباره شناخت این کتاب آسمانی است که در چگونگی فهم و تفسیر بسیاری از آیات آن نقش اساسی دارد و گستره رهنمودها و آموزه‌ها و احکام قرآنی را روشن می‌سازد.

در برخی روایات تفسیری، اوصاف یا معارف مشترک یا مختص قرآن کریم نسبت به دیگر کتب آسمانی بیان شده است که توجه به آنها و نوع کارکردشان، می‌تواند در تفسیر آیات آن اثرگذار باشد. برای نمونه رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> درباره مشترکات قرآن و تورات و انجیل فرمود:

«تَرَكَتْ صُحْفَ إِبْرَاهِيمَ فِي أَوْلَى لَيْلَاتِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَنْزَلَتِ التَّوْرَاةَ لِسْتَ مَضَيْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَنْزَلَ الْإِنْجِيلَ لِثَلَاثَ عَشَرَةِ لَيْلَةً خَلَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَنْزَلَ الزُّبُورَ لِثَمَانِيَةِ عَشَرَةِ خَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَنْزَلَ الْقُرْآنَ فِي ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> در تفسیر آیه «وَلَا تَتَخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا»<sup>۲</sup> فرمود: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَاةِ ... مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ ثُمَّ دَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مِنْ كَانَ يَتَخَذِّذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا».<sup>۳</sup>

آن حضرت در سخن دیگری درباره برخی اشتراکات قرآن و تورات فرمود: «لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» إِلَّا وَهِيَ فِي التَّوْرَاةِ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ».<sup>۴</sup>  
امام باقر<sup>علیه السلام</sup> فرمود:

«إِنَّ اسْمَ رَسُولِ اللَّهِ فِي صُحْفِ إِبْرَاهِيمَ «الْمَاحِي» وَ فِي تَوْرَاةِ مُوسَى «الْحَادِثُ» وَ فِي إِنْجِيلِ عِيسَى «أَحَمَدُ» وَ فِي الْفُرْقَانِ «مُحَمَّدُ» ...<sup>۵</sup>

فهم‌پذیری و جواز تفسیر قرآن مجید نیز اوصاف عام این کتاب آسمانی است و برخی روایات اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> با ارائه روش‌هایی برای تفسیر آن از سوی دیگر مفسران، به اصل فهم‌پذیری و جواز تفسیر آیات اشاره کرده و به بهره‌مندی دیگران از این شیوه‌ها مشروعیت می‌بخشند. برای نمونه، زراره از

۱. کلینی، *الكافی*، ج ۲، ص ۶۲۸.

۲. بقره / ۲۳۱.

۳. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۱۲۰.

۴. ابن بابویه، *عيون أخبار الرضا*، ج ۲، ص ۳۹.

۵. ابن بابویه، *الأمالی*، ص ۱۷۱.

امام باقر<sup>ع</sup> درباره چرائی مسح بخشی از سر و پا هنگام وضو پرسید و آن حضرت فرمود: به دلیل وجود حرف «باء» در آیه «وَامْسُحُوا بِرُءُوسِكُمْ»<sup>۱</sup> مسح بر قسمتی از سر واجب است و بر اساس عطف عبارت «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»<sup>۲</sup> به آن، باید بخشی از پاها مسح گردد.<sup>۳</sup>

همچین امام صادق<sup>ع</sup> در پاسخ عبدالاعلی درباره چگونگی مسح انگشت زخمی دارای روبند پارچه‌ای چنین فرمود: حکم این مسئله و مانند آن، از دیگر آیات قرآن مجید به دست می‌آید. خدای والا فرمود: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»<sup>۴</sup> پس هنگام وضو دست را بر آن مرهم بکش.<sup>۵</sup> بر پایه این روایات، شاگردان و دانش آموختگان مکتب اهل بیت<sup>ع</sup> با استناد به آموزه‌های آنان، می‌توانند از دیگر آیات، مفادات و مرادات آنها را استنباط کنند.

### ب) اوصاف مختص قرآن

برخی روایات تفسیری اهل بیت<sup>ع</sup> به اوصاف خاص قرآن کریم و چگونگی نزول معارف آن نظر دارد. امام باقر<sup>ع</sup> درباره ویژگی جاودانگی قرآن فرمود:

لَوْ أَنَّ الْآيَةَ إِذَا تَرَكَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ أُولَئِكَ الْقَوْمَ مَاتَتِ الْآيَةُ لَمَّا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوْلَهُ عَلَى آخرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتَلَوُنَّهَا هُمْ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍ.<sup>۶</sup>

آن حضرت برخی اوصاف منحصر به فرد قرآن مجید را این‌گونه برمی‌شمارد:

هُوَ كَلَامُ اللَّهِ وَ قَوْلُ اللَّهِ وَ كِتَابُ اللَّهِ وَ وَحْيُ اللَّهِ وَ تَنْزِيلُهُ وَ هُوَ الْكِتَابُ الْعَزِيزُ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ يَبْنَىٰ يَدِيهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ<sup>۷</sup>  
إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنٌ وَ لَهُ ظَهُرٌ وَ لِلظَّهُرِ ظَهُرٌ يَا جَابِرَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ إِنْ تَفَسِّيرَ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآيَةَ يَكُونُ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ مُتَصَرِّفٌ عَلَىٰ وُجُوهٍ.<sup>۸</sup>

۱. مائدہ / ۶

۲. مائدہ / ۶

۳. ابن‌بابویه، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۹.

۴. حج / ۷۸.

۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۳.

۶. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰.

۷. ابن‌بابویه، الأمالی، ص ۵۴۵.

۸. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰.

آن حضرت درباره نزول دفعی و تدریجی قرآن فرمود: «نَزَّلَ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ جُمِلَةً شُعُّرَةً نَزَّلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فِي طُولِ عِشْرِينَ سَنَّةً».<sup>۱</sup>

#### دو. بیان ویژگی‌ها و فضائل و خواص سور

خدای حکیم در کتاب خود، هر دسته از آیات را جدا از دسته دیگر قرار داده و با برقراری یک گونه انسجام و پیوستگی در هر مجموعه آیات، نام سوره را برابر هر آن نهاده است؛ یعنی آیات همه سور قرآن کریم، نظم و ارتباطی میان خود دارند و هر سوره هدف و غرض خاصی را دنبال و در صدد بیان معنای خاصی است. بنابراین شناسایی ویژگی‌های سور قرآنی و ساختار ظاهری و معارف کلان درونی آنها می‌تواند نقش مهمی در تفسیر آیات آنها داشته باشد. در این میان، برخی روایات تفسیری به این مقوله پرداخته‌اند. برای نمونه، امام صادق<sup>ع</sup> درباره نخستین و آخرین سوره قرآن فرمود: «أَوَّلٌ مَا نَزَّلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» وَآخِرُهُ «إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ».<sup>۲</sup>

پیامبر اعظم<sup>صلی الله علیه و آله و آله و آله</sup> در بیان فرویدگاه‌های آیات قرآنی فرمود: «أَنْزَلَ الْقُرْآنَ فِي ثَلَاثَةِ أُمُكَنَّةٍ: مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ وَ الشَّامَ».<sup>۳</sup> حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> این کلام نبوی درباره سوره‌های مکی و مدنی را این‌گونه شرح و ترتیب می‌دهد: «...أَوَّلٌ مَا نَزَّلَ عَلَيْهِ بِكَّةً: «فَاتِحةُ الْكِتَابِ» ثُمَّ «اقْرَا بِاسْمِ رَبِّكَ» ثُمَّ «نَ» وَأَوَّلٌ مَا نَزَّلَ بِالْمَدِينَةِ: سورة «البقرة» ثُمَّ «الأنفال» ثُمَّ «آل عمران» ثُمَّ «الأحزاب» ثُمَّ «المتحنة» ثُمَّ «النساء» ثُمَّ «إِذَا زَلَّتِ» ثُمَّ «الحديد» ثُمَّ «سورة محمد» ثُمَّ «الرعد» ثُمَّ «سورة الرحمن» ثُمَّ «هَلْ أَنِي...».<sup>۴</sup> نیز آن حضرت فرمود: «نَزَّلَتْ فَاتِحةُ الْكِتَابِ بِكَّةً مِنْ كَنْزٍ تَحْتَ الْعَرْشِ».<sup>۵</sup> و «إِنَّمَا أَنْزَلْتَ الْمَائِدَةَ قَبْلَ أَنْ يُقَبَّضَ بِشَهَرَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةِ».<sup>۶</sup> افزون بر این‌گونه روایات، احادیث فراوانی نیز به بیان منزلت فرازمند بعضی سوره‌های قرآن کریم یا خواص مادی و معنوی یا پاداش‌های دنیائی و آخرتی آنها می‌پردازند. برای نمونه، سوره بقره و آل عمران دو نورافکن درخششته و دو سایه‌بان برای دانایان به آن دو، در روز رستاخیز معرفی شده است و تلاوت سوره بقره بازدارنده بزرگی از نفوذ شیطان به دل و خانه خواننده است و ثواب قرائت آن با

۱. قمی، *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲. کلینی، *الكافی*، ج ۲، ص ۶۲۸.

۳. هیشمی شافعی، *مجمع الزوائد*، ج ۷، ص ۱۵۷؛ سیوطی، *الإتقان*، ج ۱، ص ۳۵؛ مانند برخی آیات سوره توبه که در منطقه توک شام و در باره جنگ با رومیان فروود آمد.

۴. طبرسی، *مجمع البيان*، ج ۱۰، ص ۶۱۴.

۵. واحدی، *اسباب نزول القرآن*، ص ۲۲.

۶. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۲۸۸.

پاداش یکسال رزمندگی در راه خدا برابر است!<sup>۱</sup>

امام باقر<sup>ع</sup> نیز فرمود: سوره توحید و کافرون به ترتیب با یک سوم و یک چهارم قرآن برابری می‌کنند.<sup>۲</sup> همچنین امام صادق<sup>ع</sup> فرمود:

إِنَّ سُورَةَ الْأَنْعَامَ نَزَّلَتْ جُمْلَةً؛ شَيَّعَهَا سَبَعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى أُنْزِلَتْ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ<sup>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</sup> فَظَّمُوهَا وَبَجَّلُوهَا، فَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا فِي سَبْعِينَ مَوْضِعًا وَلَوْ يَعْلَمَ النَّاسُ مَا فِي قِرَاءَتِهَا مَا تَرَكُوهَا.<sup>۳</sup>

امام سجاد<sup>ع</sup> فرمود: اگر کسی چهار آیه آغازین سوره بقره و آیه‌الکرسی را با دو آیه پسین و سه آیه پایانی آن بخواند، هیچ گونه حادثه جانی و مالی برای او رخ نمی‌دهد و شیطان نزدیکش نمی‌شود و قرآن را فراموش نمی‌کند.<sup>۴</sup>

#### سه. بیان ویژگی‌ها و اقسام آیات

کارکرد برخی روایات تفسیری، بیان ویژگی‌های نزول و اقسام آیات است:

##### (الف) بیان زمان و مکان و فضای نزول آیات

برخی احادیث تفسیری، بیانگر زمان و مکان نزول آیات قرآن هستند. برای نمونه، امام باقر<sup>ع</sup> با تقسیم آیات به مکی و مدنی، سنجه مکی و مدنی بودن آیات قرآن و فضای حاکم بر آن دو را چنین بیان فرمود: خدای والا در آیات مکی، مشرکان و کافران را با عذاب الاهی بیم می‌دهد و در غیر آن، تنها به انجام دادن کارهای نیک یا ناپسند شمردن اعمال زشت بسنده می‌کند. در ادامه، با مکی خواندن برخی آیات بیانگر عذاب مشرکان و مکذبان پیامبران می‌فرماید: پس از هجرت پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> از مکه به مدینه، دین اسلام روی پنج پایه استوار گردید: گواهی به یگانگی خدا و رسالت پیامبر؛ برپاسازی نماز؛ پرداخت زکات؛ اقامه حج و روزه ماه رمضان، ازاین رو در مدینه، بسیاری از آیات بیانگر حدود و فرائض الاهی مانند قانون ارث و ازدواج و احکام قتل و ... فرود آمد.<sup>۵</sup>

##### (ب) بیان سبب و شأن نزول آیات

آیات ارجمند قرآن کریم، از منظر چگونگی نزول دو نوع است:

۱. سیوطی، الدر المنشور، ج ۱، ص ۱۸؛ معرفت، التمهید، ج ۲، ص ۱۶ – ۳۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۱.

۳. همان، ص ۶۲۲.

۴. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۳؛ ابن بابویه، ثواب الأفعال، ص ۱۰۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸ – ۳۳.

الف) بر اساس نیازهای عام و فطری بشری و بی‌هیچ گونه تقاضایی از سوی آدمیان؛  
ب) به سبب نیاز و پرسش فردی و گروهی یا پیدائی رویدادی سؤال برانگیز و برای پاسخ‌دهی و  
گره‌گشایی و بهسازی نظام اعتقادی و اخلاقی مسلمانان و... .

آگاهی یافتن از علت واقعی فرود آمدن برخی آیات و سور یعنی همان اسباب نزول آنها، سهم مهمی در دریافت معنای صحیح آیات قرآنی دارد، ازین‌رو حضرات موصومان ﷺ در فرموده‌های والای خود به روش‌نگری در باره رویدادهایی پرداخته‌اند که سبب نزول آیه شده است.<sup>۱</sup> برای نمونه، امام سجاد علیه السلام فرمود: آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> درباره امیرمؤمنان علیهم السلام فرود آمد، هنگامی که آن حضرت در هجرت پیامبر اعظم ﷺ به مدینه در بستر ایشان خواهد بود. امام باقر علیه السلام نیز در باره آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَةَ وَأَرْكُعوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»<sup>۳</sup> فرمود: «أَنَّهَا تَرَكَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْيِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خَاصَّةً وَهُمَا أُولَئِنَّ مَنْ صَلَّى وَرَكَعَ».<sup>۴</sup>

ج) بیان آیات برجسته و کلیدی  
همه آیات قرآن شأن و منزلتی والا دارند؛ لیکن برخی، درخشندگی و برجستگی ویژه و سهم کلیدی دارند که راهگشای فهم بسیاری از آیات دیگر و پایه و میزانی برای حل پیچیدگی‌های آنها یا بسیاری از احادیث به شمار می‌روند.

رسول خدا علیه السلام فرمود:

الْقُرْآنُ سَيِّدُ الْكَلَامِ وَسُورَةُ الْبَقَرَةِ سَيِّدُ الْقُرْآنِ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ سَيِّدُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ؛ فِيهَا خَمْسُونَ كَلِمَةً فِي كُلِّ كَلِمَةٍ بَرَكَةٌ<sup>۵</sup>  
أُعْطِيَتْ آيَةُ الْكُرْسِيِّ مِنْ كَنْزٍ تَحْتَ الْعَرْشِ وَلَمْ يُؤْتَهَا بَيْهِ كَانَ قَبْلِي.<sup>۶</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: برای هر چیز فرد برتری هست و آیه الکرسی والاترین آیه قرآن کریم است: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذِرْوَةً وَذِرْوَةُ الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ».<sup>۷</sup> همچنین شخصی از امام کاظم علیه السلام درباره برترین آیه

۱. در این‌گونه روایات، بیان و شرح رخداد مسبب نزول آیه با عبارتی نظیر «نزلت فی ...» آمده است.

۲. بقره / ۲۰۷.

۳. طوسی، الأمالی، ص ۴۴۶.

۴. بقره / ۴۳.

۵. فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۹.

۶. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۶۲؛ ثعلبی، الكشف والبيان، ج ۲، ص ۲۲۹؛ متنی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۳۰۲.

۷. طوسی، الأمالی، ص ۵۰۹.

۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۳۶.

در قرآن پرسید و آن حضرت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».<sup>۱</sup> امام رضا<sup>ع</sup> نیز فرمود: «إِنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَقْرَبٌ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى يَاضِهَا».<sup>۲</sup>

#### (د) بیان آیات ناسخ و منسوخ

شناخت آیات ناسخ و منسوخ از شروط مهم در فهم مراد حقیقی خدای حکیم است. امیرمؤمنان<sup>ع</sup> ناگاهی به آن را مایه هلاکت عالمان دینی و مردم می‌داند.<sup>۳</sup> از این رو شیوه آگاهی به آیات ناسخ و منسوخ برای دین پژوهان و به ویژه فقیهان، بسیار مهم است. احادیث معتبر معصومان<sup>ع</sup> از راههای دقیق تشخیص این گونه آیات است.

امام صادق<sup>ع</sup> در تعریف ناسخ و منسوخ می‌فرماید: «النَّاسُخُ النَّاثِلُ الْمَعُولُ بِهِ وَالنَّسُوخُ مَا كَانَ يُعَمَلُ بِهِ».<sup>۴</sup> به فرموده دیگر آن حضرت، آیه «وَاللَّتِي يَأْتِينَ الْفَاجِحَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهَدُوْا فَأَمْسِكُوْهُنَّ فِي الْبَيْوْتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»<sup>۵</sup> به وسیله آیات بیانگر تازیانه زدن زنان بدکاره مانند: «الرَّأْيَيْنِ وَالرَّأْيَيْنِ فَاجْلِدُوْا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدٍ»<sup>۶</sup> نسخ شده است.<sup>۷</sup>

#### (ه) بیان آیات محکم و متشابه

بازشناسی آیات محکم از متشابه‌های نیز از بایسته‌های کلیدی در تفسیر قرآن مجید و راهیابی به مقصد واقعی خدای حکیم است. شناخت آیات محکم و متشابه، کمک بسزائی برای عالمان دینی، به ویژه مفسران و متکلمان دارد. در این زمینه، سخنان ارجمند عترت<sup>ع</sup> درباره حقیقت و ویژگی‌های آیات محکم و متشابه بسیار راهگشاست. برای نمونه، امام باقر<sup>ع</sup> در تفسیر آیه پیش‌گفته فرمود: «فَالَّذِينَ سُخِّنُوا مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ وَالْمُحَكَّمَاتِ مِنَ النَّاسِخَاتِ».<sup>۸</sup> امام صادق<sup>ع</sup> نیز درباره چگونگی تعامل با آیات محکم و متشابه فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحَكَّمٌ وَمُتَشَابِهٌ فَأَمَّا الْمُحَكَّمُ فَنَّوْمٌ بِهِ وَعَمَلٌ بِهِ وَأَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَنَّوْمٌ بِهِ وَلَا تَعْمَلُ بِهِ».<sup>۹</sup>

۱. همان، ص ۲۱.

۲. ابن‌بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۵.

۳. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۱۱.

۵. نساء / ۱۵.

۶. نور / ۲.

۷. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷.

۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸.

۹. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱.

### و) شبهدزادایی از آیات متشابه

در بیهنه تاریخ، پیوسته فرقه‌های باطلى بودند که برای حق جلوه‌دادن پندارهای نادرست خوبش، به آیات متشابه قرآنی دست‌اندازی و آنها را به سود خود تحریف یا تأویل می‌کردند. هرگونه شبدهای، بحثی پیرامونی و عارض بر آیات است که از روی غرض‌ورزی یا به دلیل نادانی پدید می‌آید روش‌نگری، برخی روایات تفسیری، درباره متعلقات و مباحث پیرامونی است که گاه بر آیات عارض می‌شود؛ مانند شبهات بیماردلان و برداشت‌های انحرافی کژروان.

بر این اساس، یکی از کارکردهای روایات تفسیری، شبهدزادائی از آیات الاهی است. برای نمونه، امام علی<sup>علیه السلام</sup> برای پاسخ به شبده مردی یهودی در تبیین آیه «وَيَقُولَ رَبِّكَ»<sup>۱</sup> فرمان داد تا آتشی بیفروزنده؛ آنگاه از او پرسید: صورت این آتش کجاست؟ یهودی گفت: من برای آن چهره‌ای نمی‌بینم. در این هنگام امام<sup>علیه السلام</sup> فرمود: خدای والا نیز به این آتش می‌ماند. خاور و باختراز آن اوست، پس هر سو رو کنید، رو به خدای والاست.<sup>۲</sup>

همچنین امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در تفسیر آیه «وَكَذَ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ يَهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»<sup>۳</sup> و هنگام شبده‌افکنی مأمون درباره عدم عصمت پیامبران فرمود: «هَمَّتْ يَأْنَ تَفَعَّلَ وَهَمَّ يَأْنَ لَا يَفَعَلْ».<sup>۴</sup>

بر پایه روایت دیگر، برداشت انحرافی برای اثبات جسمانیت خدا از آیات مانند «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ \* إِلَى رِبِّهَا نَاظِرَةٌ»<sup>۵</sup> در فرموده علوی و رضوی بیان و بدان پاسخ داده شده است: «يعني مشرقة تتضرر ثواب ربها؛ ذلك في موضع ينتهي فيه أولياء الله عز وجل بعد ما يفرغ من الحساب إلى نهر يسمى الحيوان فيقتسلون فيه ويسربون من آخر فتبييض وجوههم فيذهب عنهم كل قدّي واعث ثم يومرون بدخول الجنة فمن هذا المقام ينظرون إلى ربهم كيف يُحييهم ومنه يدخلون الجنة».<sup>۶</sup>

### نتیجه

روایات معصومان<sup>علیهم السلام</sup> نقش مهمی در روشن‌سازی مفاد ظاهری و باطنی آیات قرآن مجید دارند و با توجه به نبود تعریف خاصی برای واژه تفسیر در گفتار آنان، باید برای دستیابی به روش درست تفسیر قرآن،

- 
- ۱. الرحمن / ۲۷
  - ۲. دیلمی، *إرشاد القلوب*، ج ۲، ص ۳۱۸.
  - ۳. یوسف / ۲۴
  - ۴. ابن‌بابویه، *عيون أخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۰۱.
  - ۵. قیامت / ۲۳ – ۲۲.
  - ۶. ابن‌بابویه، *التوحید*، ص ۱۱۶ و ۲۶۲.

از شیوه آموزشی و عملکرد آنان بهره جست.

معصومان علیهم السلام روش‌های گوناگونی را برای تفسیر قرآن به کار برده‌اند که «کارکردهای روایات تفسیری» نام دارند و بر اساس این پژوهش، چندگونه هستند:

۱. آشنایی و بیان فرائت آیات قرآن حکیم؛
۲. مفهوم‌شناختی و روشن‌سازی مدلول استعمالی و مفاد ظاهري و ازگان؛
۳. مقصودشناختی و بیان مراد واقعی خدای سبحان و ابهام‌زدایی از آیات و کشف حقیقت؛
۴. مصدق‌شناختی و بیان مصاديق ظاهری یا باطنی برخی آیات الاهی؛
۵. روش‌شناختی و آموزش روش فراگیر و ساز و کار درست برداشت از آیات الاهی؛
۶. قرآن‌شناختی و روشنگری درباره جایگاه والا و فضیلت یا ظاهر و ساختار بیرونی قرآن مجید؛
۷. حریم‌شناختی روشنگری آنها درباره متعلقات و مباحث پیرامونی که گاه بر آیات عارض می‌شود.

#### فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، *کفاية الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البیت، چ ۷، ۱۴۰۹ ق.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثانی*، لبنان، دار الكتب العلمية، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
- ابن‌ادریس حلبی، ابو‌جعفر محمد بن منصور بن احمد، *مستطرفات السوانح*، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۱ ق.
- ابن‌درید، محمد بن الحسن، *جمهرة اللغة*، تحقيق رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دار العلم للملایین، چ ۲، ۱۹۸۷ م.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبي طالب*، قم، علامه، چ ۳، ۱۳۷۹ ق.
- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر (تفسیر ابن‌عاشور)*، [بی‌جا]، مؤسسه التاریخ، چ ۱، بی‌تا.
- ابن‌فارس، ابوالحسین بن زکریا، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی مصری، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی بن محمد خزاعی نیشابوری، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقيق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۷ ش.

- احسائی، ابو جعفر محمد بن علی بن ابراهیم، *عواالی اللئالی العزیزیة فی الاحادیث الالهیّة*، تحقیق آقامجتبی محمدی عراقی، قم، انتشارات سید الشهداء، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
- استرآبادی، سید شرف الدین علی، *تأویل الآیات الظاہرۃ فی فضائل العترة الطاھرۃ*، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
- امام عسکری، حسن بن علی، *التفسیر المنسوب إلی الامام العسكري ع*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
- برقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خاد، *المحسن*، قم، دار الكتب الاسلامیة، چ ۳، ۱۳۷۱ ق.
- بغوى، حسين، *معالم التنزيل*، بيروت، دار المعرفة، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غور الحكم و درر الكلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۴، ۱۳۶۶ ش.
- تهانوی، محمد علی، *کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*، تحقیق علی دحروج، بيروت، مکتبة لبنان ناشرون، چ ۱، ۱۹۹۶ م.
- ثعلبی، ابو سحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری، *الكشف والبيان عن تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی)*، تحقیق ابو محمد بن عاشور، بيروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۲۲ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، *تفسیر قرآن کریم*، قم، مرکز نشر اسراء، چ ۳، ۱۳۸۷ ش.
- حاج خلیفه، مصطفی، *کشف الظنون*، بيروت، دار الكتب العلمیة، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
- حرّانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، تهران، انتشارات کتابخانه نینوی، چ ۱، بی تا.
- حیدری فر، مجید، *مهندسی فهم و تفسیر قرآن*، قم، بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۹۱ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۷۷ ش.
- دیلمی، ابو محمد حسن بن ابی الحسن علی بن محمد، *إرشاد القلوب الى الصواب*، قم، انتشارات شریف رضی، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، *جامع التفاسیر*، دار الدعوة، کویت، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بيروت دمشق، دار الشامیه - دار العلم، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق، یوسف مرعشلی، بيروت، دار المعرفه، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.

- سید بن طاووس، رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، *مهج الدعوایت*، قم، انوار الذخائر، چ ۱، ۱۴۱۱ ق.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی، *نهج البالغة*، قم، هجرت، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
- سیوطی، جلال‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان، *الإتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات شریف رضی - بیدار - عزیزی، چ ۱، بی‌تا.
- سیوطی، جلال‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان، *الدر المنشور فی التفسیر بالمانور*، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۴۰۴ ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، *منیة المرید فی ادب المفید والمستغیل*، تحقیق رضا مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *الأمامی*، تهران، کتابخانه اسلامیه، چ ۱، ۱۳۶۲ ش.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *الإمامۃ والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهדי علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۴ ق.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *التوحید*، تصحیح سید هاشم حسینی تهرانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چ ۱، ۱۳۹۸ ق.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، فکر آوران، چ ۱، ۱۳۸۴ ش.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *عمل الشرایع*، قم، مکتبة الداوری، چ ۱، ۱۳۸۵ ش.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *عيون أخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران، جهان، چ ۱، ۱۳۷۸ ق.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *معانی الأخبار*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۱ ش.
- صدقوق، ابو‌جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، *من لا يحضره الفقيه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
- صفار، ابو‌جعفر محمد بن حسن بن فروخ قمی، *بصائر الدرجات*، تصحیح میرزا محسن کوچه‌باغی تبریزی، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین بن سید محمد، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.

- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، تحقيق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ ۳، ۱۳۷۲ ش.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، *الإحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، چ ۱، ۱۴۰۳ ق.
- طریحی، فخر الدین بن محمد علی بن احمد، *مجمع البحرين*، تصحیح سید احمد حسینی، چ ۳، تهران، نشر مرتضوی، چ ۱، ۱۳۷۵ ش.
- طویسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی، *الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار*، تحقيق سید حسن موسوی، چ ۳، تهران، دار الكتب الاسلامیة، چ ۲، ۱۳۹۰ ق.
- طویسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی، *الأمامی*، قم، دار الثقافه، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
- طویسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی، *تهنیب الاحکام*، تحقيق سید حسن موسوی خرسان، چ ۴، تهران، دار الكتب الاسلامیة، چ ۳، ۱۳۶۵ ش.
- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، *نور الثقلین*، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ ۴، ۱۴۱۵ ق.
- عیاشی، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی، *تفسیر العیاشی*، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چخانه علمیه، چ ۱، ۱۳۸۰ ق.
- فرات کوفی، ابو القاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقيق محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۰ ق.
- فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد بن عمر، *العین*، قم، هجرت، چ ۱، بی تا.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی مقری، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير*، قم، دار الهجرة، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
- قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم، *تفسیر القمی*، تحقيق سید طیب موسوی جزائری، قم، دار الكتاب، چ ۳، ۱۳۶۷ ش.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی، *الکافی*، تهران، دار الكتب الاسلامیة، چ ۲، ۱۳۶۵ ش.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین برهان فوری، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، تحقيق و تصحیح صفوہ سقا - بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
- معرفت، محمد هادی، *التفسیر الأثمری للجامع*، قم، التمهید، چ ۱، ۱۳۸۷ ش.
- معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.

- معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران، امیر کبیر، چ ۱، ۱۳۷۱ ش.
- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری، **الإختصاص**، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
- هیشی شافعی، ابوالحسن علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۰۸ ق.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، **اسباب نزول القرآن**، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۱ ق.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، **الوسیط فی تفسیر القرآن المجید**، تحقیق عادل احمد موجود، علی محمد معوض، احمد محمد صیره، احمد عبدالغنى جمل، عبدالرحمن عویس، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۵ ق.

